

(وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي النَّهْيِ عَنْ غَيْبَةِ النَّاسِ : وَإِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ
الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ، وَ
يَكُونُ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبُ عَلَيْهِمْ، وَالْحَاجِزُ لَهُمْ عَنْهُمْ، فَكَيْفَ بِالْعَابِ الَّذِي عَابَ
أَخَاهُ، وَعَيْرَهُ بِبَلْوَاهٍ. أَمَا ذَكْرُ مَوْضِعِ سُرُّ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ مِمَّا هُوَ أَعْظَمُ مِنَ
الذَّنْبِ الَّذِي عَابَهُ وَكَيْفَ يَدْمُهُ بِذَنْبٍ قَدْ رَكِبَ مِثْلَهٗ! فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَكِبَ ذَلِكَ
الذَّنْبِ بِعِينِهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فِيمَا سِوَاهُ مِمَّا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ وَأَيْمُ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ
عَصَاهُ فِي الْكَبِيرِ وَعَصَاهُ فِي الصَّغِيرِ لَجُرْأَتُهُ عَلَى عَيْبِ النَّاسِ أَكْبَرُ. يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا
تَعْجَلْ فِي عَيْبٍ أَحَدٍ بِذَنْبِهِ فَلَعْلَهُ مَغْفُورٌ لَهُ: وَلَا تَأْمَنْ عَلَى نَفْسِكَ صَغِيرَ مَعْصِيَةٍ
فَلَعْلَكَ مُعَذَّبٌ عَلَيْهِ فَلِيَكْفُفْ مَنْ عَلِمَ مِنْكُمْ عَيْبَ غَيْرِهِ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ عَيْبٍ نَفْسِهِ،
وَلِيَكُنْ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَهُ عَلَى مُعَافَاتِهِ مِمَّا ابْتَلَىَ بِهِ غَيْرُهُ.

در نهی از غیبت مردم

پرهیز دادن از غیبت و بدگویی

به کسانی که گناه ندارند، و از سلامت دین برخوردارند، رواست که به
گناهکاران ترحم کنند، و شکر این نعمت گذارند، که شکرگزاری آنان را از
عیجویی دیگران باز دارد، چرا و چگونه آن عیجو عیب برادر خویش گوید؟ و

او را به بلایی که گرفتار است سرزنش می‌کند؟ آیا به خاطر ندارد که خدا چگونه او را بخشید و گناهان او را پرده‌پوشی فرمود؟ چگونه دیگری را بر گناهی سرزنش می‌کند که همانند آن را متکب شده! یا گناه دیگری انجام داده که از آن بزرگتر است؟ به خدا سوگند! اگر خدا را در گناهان بزرگ عصیان نکرده و تنها گناه کوچک انجام داد، اما جرات او بر عییجویی از مردم، خود گناه بزرگتری است. ای بنده خدا، در گفتن کسی شتاب مکن، شاید خدایش بخشیده باشد، و بر گناهان کوچک خود ایمن مباش، شاید برای آنها کیفر داده شوی، پس هر کدام از شما که به عیب کسی آگاه است، به خاطر آنچه که از عیب خود می‌داند باید از عییجویی دیگران خودداری کند، و شکرگزاری از عیوبی که پاک است او را مشغول دارد از اینکه دیگران را بیازارد.